

قبل از آن:

«از آن پس چو جنبده آمد پدید

همه رستنی زیر خویش آوردید.»

فقط سخن از چیرگی جنبده است بر رستنی. به گمانم استاد ارجمند چیرگی انسان بر گیاهان و درختان و اینکه «همه حیوانات مطیع و مقهور آدمیان نشدند.\*» را از به هم پیوستن مصرع دوم بیت ۵۰ و مصرع اول بیت ۵۴ دست آورده‌اند، که قاعداً باید سر هر دو-گیاه و حیوان- زیر فرمان انسان که اشرف مخلوقات است فرود بیاید. اگر ایشان بیت ۵۴ را همانند اکثر چاپهای معتبر و نسخ دیگر از متن برکنار می‌نهادند این معنی به دست نمی‌آمد، چه از بیت ۶۰ «مردم آمد پدید» به هر روی مراد از مصرع ۲ بیت ۵۰ حالت ظاهری گیاهان و درختان است.

در شاهنامه چاپ دکتر دبیرسیاقی این مصرع بدینگونه آمده است: «به ابر اندر آمد سرانشان ز بخت». که در روشنی و وضوح معنی بر ضبطهای دیگر برتری دارد.

۲- بیالد ندارد جز این نیرویی

بپوید چو پویندگان هرسویی

ص ۹ ب ۵۲

در معنی بیت آورده‌اند: «رستنی‌ها نیز مانند جنبندگان دیگر می‌توانند حرکت کنند و ریشه بدوانند و به هر سویی روان شوند».

فصل اول مصرع دوم این بیت در نسخ مختلف، دارای اختلاف است. بعضی از نسخه‌ها آنرا مثبت و بعضی منفی آورده‌اند، در نسخه فلورانس فعل، مثبت آمده است. اما آیا گیاهان و درختان آنگونه که پویندگان هر سویی می‌پویند به هرسویی می‌پویند؟! اگر اینگونه بود که جنبنده نمی‌توانست رستنی را زیر خویش آورد، یا به قول انوری:

«درخت اگر متحرک شدی زجای به جای

نه جور آره کشیدی نی جفای تیر»  
بنابراین گمان می‌کنم «نیوید» که در چاپ مسکو و

دستنویس موزه فلورانس با تاریخ ۶۱۴ دربردارنده ابیات شاهنامه تا پایان پادشاهی کیخسرو است که بوسیله خاورشناس ایتالیایی آنجلو پیه‌مونتسه به عنوان قدیمی‌ترین نسخه شاهنامه معرفی گردیده است. میکروفیلم این نسخه را خانم فرمینا مورونی دانشجوی ایتالیایی دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی به ایران آورده است و ایشان آن را به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه کرده‌اند. در سال ۱۳۶۹ به مناسبت هزاره شاهنامه، چاپ عکس دستنویس یادشده با مقدمه دکتر علی رواقی توسط انتشارات دانشگاه تهران به بازار کتاب عرضه می‌شود. شش سال بعد همان ناشر جلد اول شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس را با گزارش ابیات و واژگان دشوار و مقابله با چاپهای دیگر بقلم دکتر عزیزالله جوینی به چاپ می‌رساند. جلد دوم از این چاپ زمستان ۷۷ به طبع رسیده و قرار است در پنج مجلد کامل گردد.

اینک در این مقاله به بررسی ابیاتی از جلد اول این شاهنامه می‌پردازیم:

۱- گیارست با چندگونه درخت

بزیر اندر آمد سرانشان زبخت

ص ۷۹ ب ۵۰

در معنی بیت آورده‌اند: «گیاهان و درختان روئیدند، آن گاه مقدر چنین بود که سرانها در زیر فرمان آدمی باشد.» و نیز (ب ۵۴ متن)  
به بیت ۵۴ می‌نگریم:

«سرش زیر نامد بسان درخت

نگه کرد باید بدین کار سخت»

بیتی که به جز نسخه فلورانس فقط در بریتیش میوزیم آمده است آن هم با ضبطی دیگرگون در مصرع اول، بدینگونه: «همی سربرآرد بسان درخت». در بیت

دبیرسیاقی، نیز شاهنامه تصحیح شده حمدالله مستوفی آمده است ضبطی درست است.

۳- از آن دو یکی را بیرداختند

جز آن چاره‌یی نیز نشناختند

ص ۷۷ ب ۷۹

پرداختن را در بیت مذکور بمعنای رها کردن و آزاد کردن گرفته‌اند. که بدان معنا نیست بلکه به معنی کشتن است چه در حقیقت دنیا از وجود یکی از آن دو جوان پرداخته (خالی، تهی) شده است. سپس خوالیگران - بیت ۳۳ - جوان دیگر را به جان زنه‌هار می‌دهند.

۴- فرانک بدو گفت کای نامجوی

بگویم تو را هر چه گفتمی بگوی

ص ۹۳ ب ۱۶۸

در معنی بیت آورده‌اند: «فرانک به فریدون گفت: من این راز را بر تو آشکار می‌کنم آنگاه تو هرگونه داوری درباره من می‌کنی بکن».

در بیت مذکور سخنی از داوری کردن به میان نیامده است، فریدون از مادرش می‌پرسد «بگویی مرا تا که بودم پدر» فرانک هم جواب مثبت می‌دهد. در جلد ۲ فلورانس ص ۱۸۵ بیت ۱۱۹۲ همانند جواب فرانک را از سیندخت می‌شنویم:

چو ایمن شدم هر چه گفتمی بگوی

بگویم، بجویم بدین آب روی

بگمانم درنگ دراز بعد از «را» معنی داوری را به ذهن متبادر نموده است.

۵- سرانجام رفتم سوی بیشه‌ای

که کس را نه زان بیشه اندیشه‌ای

ص ۹۴ ب ۱۷۸

در معنی بیت آورده‌اند: «سرانجام سوی بیشه‌ای رفتم، که کسی از رفتن به درون آن بیمناک نبود، یعنی خالی از حیوانات درنده بود».

گمان می‌کنم که اندیشه در این بیت بمعنای فکر است نه بیم، دیگر اینکه بدیهی است که بیشه خالی از

درنده بوده و گرنه گاو و نگهبانش در آنجا نمی‌بودند. در واقع فرانک می‌گوید: بسوی بیشه‌ای رفتم که کسی -عاملان ضحاک- اندیشه‌اش به آنجا نمی‌رسید، یعنی احتمال پنهان شدن ما را در آنجا نمی‌دادند.

۶- چو برخواند کاوه همه محضرش  
همی شد ز پیران آن کشورش  
ص ۱۰۰ ب ۲۴۵

در معنی بیت آورده‌اند: «چون کاوه به آن گواهی نامه‌ای که از سوی پیران کشور فراهم گردیده بود (همی شد)، نگریست». «شدن»: حاصل آمدن، پیدا شدن، گرد آمدن و دست دادن.

سخن ما درباره نادرستی ضبط مصرع دوم بیت در نسخه فلورانس است که با توجه به خود بیت، ضبط نسخ دیگر و ترجمه بنداری باید آن را اشتباه کاتب نسخه بینگاریم.

نخست بیت را می‌نگریم: در مصرع اول کاوه همه محضر را برخوانده است، بنابراین در مصرع دوم منتظر عکس‌العملش و دیگرگونی حالش هستیم. نه توضیح محضر که با «ش» ضمیر به مرجعش ضحاک بازگردد.

دوم، ضبط نسخ معتبر مورد استفاده در شاهنامه چاپ مسکو که همگی بدون اختلاف، -سبک سوی پیران آن کشورش - آورده‌اند. ضبط طبع دکتر دبیرسیاقی نیز همانند مسکوست. سوم: بنداری می‌گوید: ...اقبل علی الحاضرین و... که موید ضبط مسکو و دبیرسیاقی است. با این اوصاف استاد گرامی می‌بایست یا پیشنهاد دکتر خالقی مطلق را برای ضبط فلورانس (غمی شد) می‌پذیرفتند و متن را تغییر می‌دادند یا ضبط اکثر نسخ را جایگزین آن می‌ساختند.

۷- بگفتند کو سوی هندوستان  
بشد تا کند بند، جادوستان  
ص ۱۱۷ ب ۳۹۵

در معنی بیت آورده‌اند: «...تا که آن جایگاه جادوان (جادوستان) را به حبس و بند بدل کند». در مصرع دوم با فعل بند کردن به معنای تحت سیطره و سلطه

در آوردن مواج‌هیم و نمی‌توان فصل مذکور را به دوپاره کرده نمی‌را به معنای اسم مکان: حبس و بند و نیم دیگر را به معنی فعلی مجزا: تبدیل کردن گرفت.

۸- ورا کندرو خواندندی بنام  
بکندی زدی، بیش بیدار گام  
ص ۱۱۹ ب ۴۰۸

سخن برسر ضبط مصرع دوم بیت در نسخه فلورانس است، ضبط نسخ دیگر: «... پیش بیداد - گام». است به روشنی و بدون اختلاف، کاتب سهل انگار فلورانس به غلط پیش را پیش و «بیداد» را «بیدار» نوشته است ولی با نوشتن ضحاک بر روی بیدار ضبط جمع نسخ را تأیید کرده اگر چه شاید به علت تعجیل در کتابت نرسیده نقطه‌های اضافی را بگذارد و «ر» را به «د» تبدیل کند. اما استاد ارجمند ضبط فلورانس را پذیرفته‌اند بدون توجه به اینکه مراد از بیداد سمبل و منشأ آن ضحاک است. ایشان می‌گویند: «فردوسی به راحتی می‌توانست بگوید «پیش ضحاک» بجای «پیش بیداد». ضمناً این بیت از منوچهری را در تأیید ضبط فلورانس شاهد آورده‌اند:

«بیش بین چو کرکس و جولان‌کننده چون عقاب  
راهوار آیدون چو کبک و راست زو همچون کلنگ»  
که «بیش بیدار» ترکیبی است مترادف با «بیش بین». بگمانم اگر حکیم طوس «پیش ضحاک» می‌فرمود، شاهنامه‌خوانها می‌انگاشتند برآستی کندرو، کندرو بوده است و نزد ضحاک آهسته قدم برمی‌داشته است. اما «پیش بیداد» ضمن اینکه این انگاره نادرست را به ذهن خواننده نمی‌آورد، نشانه بیان غیرمستقیم، کنایی و شاعرانه فردوسی پاک‌زاد است.

می‌دانیم که برای نشان دادن ضبط صحیح واژه‌ای در اثری - منظوم یا مثنوی - نخست باید دید آیا پدیدآورنده اثر آن واژه را بار دیگر در جایی دیگر از همان اثر بکار برده است یا خیر. برای ضبط «بیش بیدار» نیز باید از سخن خود فردوسی شاهد آورد و تأیید گرفت نه از سخن منوچهری.

۹- شما دیرمانید و خرم بویید  
برامش سوی ورزش خود شوید  
ص ۱۲۸ ب ۴۹۸

ورزش را در این بیت بمعنی کشاورزی گرفته‌اند از ورزیدن. لکن ورزش در اینجا بمعنی حرفه است نه فقط کشاورزی، چه فریدون پیشتر از چند حرفه سخن به میان می‌آورد.

۱۰- چو بندی بر آن بند بفرود نیز  
نبود از بد بخت مانید چیز  
ص ۱۳۱ ب ۵۲۳

واژه «مانید» در مصرع دوم بیت، در نسخ دیگر ضبط‌های مختلفی دارد، استاد ارجمند فرموده‌اند: «از این اختلافات معلوم می‌گردد که این واژه چون معنی روشنی نداشته لذا دستخوش این همه دگرگونی شده است. ایشان «مانید» را به معنی جرم و گناه و تقصیر و کوتاهی در کار، از فرهنگها گرفته‌اند. اگر چه ضبط نسخ دیگر از جمله بریتانیا، مانده، خاورشناسی ۱، مانده، لتین‌گرا: مانیده، دبیرسیاقی: مانیده و... همگی بر معنایی غیر از آنچه آورده‌اند دلالت دارد.

در لغت نامه دهخدا مانیدن به معنی گذاشتن و ترک کردن و رها کردن. وا گذاشتن، واگذار کردن (ناظم) آمده است. با این شواهد:

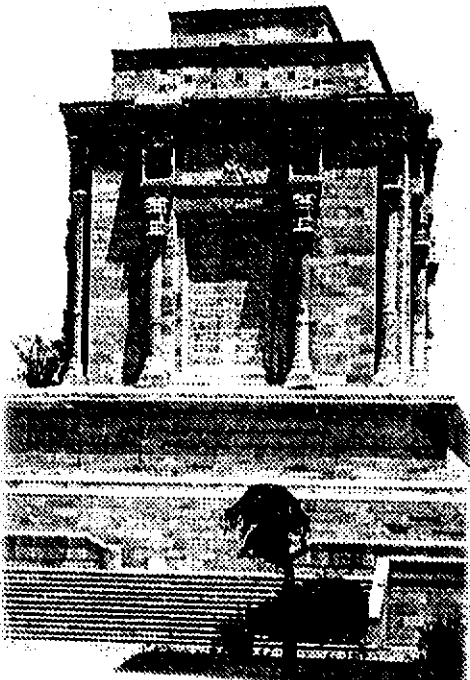
چو بندی بر آن بند بفرود نیز  
نبود از بد بخت مانیده چیز  
کنون هرچه مانیده بود از نیا

زکین جستن و جنگ و از کیمیا  
بیت دوم را استاد ارجمند شاهد بر معنای مورد نظرشان آورده‌اند. نیز این دو بیت را:

۱- مرا این درستست کز کار کرد  
نمانی مانید روز نبرد  
چاپ عکسی فلورانس ص ۴۳۲ سطر آخر.

این بیت به گواهی نسخ مورد استفاده در چاپ مسکو دارای اختلاف است و در هیچ‌کدام «مانید» نیامده است. (ص ۱۴۳ مسکو).

پرتال جامع علوم انسانی



شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس  
کزارش ابیات و واژگان دشوار: دکتر عزیز الله جوینی  
جلد اول؛ انتشارات دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۷۵

ضبط متن مسکوک: «تو پیروز باشی به روز نبرد» است. اما معنی مصرع دوم با ضبط فلورانس می شود: تو در روز نبرد درمانده نمی شوی. که ضبط مسکوک هم آن را تأیید می کند.

۲- زیزی گرفتار شد ریو نیز

نبود از بد بخت مانید چیز  
در ج ۴ چاپ مسکوک ص ۶۷ ب ۹۲۰ ضبط مصرع دوم «مانده چیز» و در حاشیه از خاورشناسی «مانند چیز» است. این ضبطها به روشنی می گویند که ما ناید [ه] بمعنای کنار گذاشته و ترک کرده و ناتمام رها شده است. (لغت نامه دهخدا) لکن کاتب فلورانس با جا انداختن «ه» سهواً قلم خویش را بار دیگر به نسخه شناسان و مصححان نشان داده است.

۱۱- نشستند فرزندانگان شادکام

گرفتند هر یک ز یاقوت جام  
استاد یاقوت را شراب سرخ رنگ دانسته اند و بیستی از رودکی را نیز براین معنی شاهد آورده اند.

بیار آن می که پنداری روان یاقوت نایستی

و یا چون برکشیده تیغ پیش آفتابستی  
اما یاقوت در بیت شاهنامه جنس جام است نه استعاره از شراب سرخ رنگ چه در بیت بعد «می روشن» آمده است. در بیت رودکی تشبیهی آمده است با تمام ارکانش: می: مشبه، یاقوت: مشبه به، روان بودن: وجه شبه. ولی در بیت شاهنامه قرینه ای بر معنای استعاری یاقوت موجود نیست. حکیم طوس در بیستی دیگر از شاهنامه نیز جنس جام را همین گونه آورده است:

ز برجد طبق ها و پیروزه جام

چه از زرسرخ و چه از سیم خام

ج ۲ فلورانس ص ۳۵

۱۲- به جندل چنین گفت شاه یمن

که بی آفرینت میادا دهن!

ص ۱۴۲ ب ۷۴

در معنی مصرع دوم آورده اند: «سرو گوید: هیچ دهنی خالی از ستودن تو نباشد!»

بگمانم که مرد به جندل می گوید: «دهنت بی آفرین میادا» یعنی همیشه برخوردارت دوستانه باشد و دهانت آکنده از ستایش و مدح و تحسین.

۱۳- از این سه گرانمایه پرسید مه

کزین سه ستاره کدامست که

میانه کدامست و کهتر کدام؟

بباید برین گونه تان برد نام

ص ۱۵۶ ابیات ۱۹۱ و ۱۹۰

استاد ارجمند «مه» را در مصرع اول ب ۱۹۰ مربوط به مصرع دوم گرفته اند نه صفت سرو یمن و «که» را در آخر بیت، صفت «سه ستاره» (سه دختر) دانسته اند و این به دو دلیل است: ۱- چون فریدون به پسرانش (ابیات ۱۷۰ و ۱۶۹) می گوید: سرو به ترتیب سن دخترانش از شما پرسش می کند، پس در این دو بیت نیز

که سرو پرسش می کند فردوسی باید ترتیب را رعایت کرده باشد. ۲- دلبستگی تام به نسخه فلورانس و اینکه ضبط درست فقط از آن این نسخه است و لا غیر.

به هر روی «مه» را نمی شود صفت سرو ندانست و

مهتر را بمعنی دختر بزرگ انگاشت چه ضبط نسخ دیگر،

آشکارا «شه» است و «مه» دیگرسانی ای است از یک

مفهوم که همان سرو پادشاه یمن باشد، دیگر اینکه چرا

فاعل «پرسید» بعد از آن نیاید و به قرینه ابیات پیشین

آن را بیابیم؟! اما «که» چیز دیگری نیست جز دختر

کهتر. چه التزامی است که حتماً فردوسی ترتیب سنی را

باید رعایت کرده باشد؟! در شاهنامه چاپ دکتر

دبیرسایقی بجای «کهتر» در مصرع اول بیت ۱۹۱

«مهتر» آمده است که می توان ضبط فلورانس را نیز

مانند آن کرد یا «مه» را در مصرع اول بیت ۱۹۰ به «شه»

برگرداند تا پرسش سرو به ترتیب سن دخترانش شود.

۱۴- جوان را بود روز پیری امید؟

نگردد سیه، موی گشته سپید

ص ۱۷۶ ب ۳۴۶

در معنی بیت آورده اند: «آیا می شود کسی در روزگار

پیری آرزو کند جوانی را؟!...» به نظر ایشان جوان بجای

جوانی بکار رفته است.

اما مراد از جوان سلم و توراند که به تعریض و کنایه

به پدرشان می گویند: ما جوان هستیم، امید به آینده

دازیم اما تو سویت سفید شده و دیگر سیاه

نمی شود. (جوان شدنی نیستی).

در متون دیگر نیز به این سخن باز می خوریم. از

جمله در قابوسنامه باب نهم (در پیری و جوانی)

می خوانیم:

«اگر پیران در آرزوی جوانی باشند جوانان نیز

بی شک در آرزوی پیری باشند» ص ۵۸.

در بوستان نیز سعدی فرموده است: .

جوان تا رساند سیاهی به نور

برد پیر مسکین سپیدی به گور

۱۵- سه فرزند بودت خردمند و گرد

بزرگ آمده نیز پیدا ز خرد

ص ۱۷۶ ب ۳۵۱

در معنی مصرع دوم آورده اند: «... لیکن تو فرزند

بزرگ را از سمت آخر، یعنی کوچکتر را بزرگ به حساب

آوردی». استاد گرامی «پیدا آمدن» را بمعنی پدید آمدن،

حاصل شدن و معلوم گشتن، «نیز» را هم بمعنی در حالی

که گرفته اند.

اما معنی درست غیر از آن است که آورده اند، یعنی

«پسران تو به حدی رسیده بودند که بزرگترشان از

کوچکتر قابل تشخیص بود».

۱۶- بیوئید و آن توشه ره کنید

بکشید تا رنج کوته کنید

ص ۱۸۳ ب ۴۱۵

در معنی مصرع دوم آورده اند: «... بکشید تا در پی از

و حرص، بیهوده رنج نکشید». بنده گمان می کنم که رنج در این بیت بمعنی زحمت و عذاب اخروی است و با توجه به آن معنی بیت را می آورم: «کوشش و جهد کنید برای آنچه موجب رستگاری است تا رنج و عذاب آن دنیا یاتان را کوتاه کنید».

۱۷- سخن چند بشنید و پاسخ نداد

همان گفتش آمد، همان سرد باد

ص ۱۹۷ ب ۵۲۸

استاد ارجمند سردباد را سخن سرد انگاشته اند و در

معنی بیت آورده اند: «تو هر چه را از ایرج می شنید پاسخ

نمی داد، جز آنکه همان سخنان سرد پیشین را تکرار

می کرد».

لکن سردباد در این بیت همان آه سرد و ناله سرد

است. اگر آن را بمعنای سخن سرد بگیریم باید «پاسخ

نداد» را حشری قبیح بپنداریم، که نیست. برآستی تو در

مقابل حرفهای حق و نرم ایرج پاسخی نداشت و

بدرستی گفت او همان آه سرد او بود که نشانه عجزش در

مقابل منش بلند و فروتنی فرزون از حد ایرج بود.

۱۸- در یاز، بسته گشاده زبان

همی گفت زار ای نبرده جوان

ص ۲۰۴ ب ۵۸۳

جمع نسخ در مصرع اول «دربار» آورده اند که گویای

امتناع فریدون از باردادن و پذیرفتن مردم به حضور

خویش است. اما کاتب نسخه فلورانس با گذاشتن نقطه

بر روی «ر» بار دیگر ضبطی شاذ ارائه کرده است چه

گمان کرده که در باز را می بندند دیگر!

استاد گرامی «گفت زار» را در مصرع دوم اصطلاح

انگاشته اند به معنی زاری بر من باد و وای بر من: که در

دو بیت دیگر شاهنامه هم آمده است:

همی گفت زار ای یل اسفندیار

جهانجوی و از تخمه شهریار

ج ۶ ص ۳۰۶ ب ۱۴۱۵

همی گفت زار ای نبرده سوار

نیا شاه جنگی پدر شهریار

ج ۶ ص ۳۱۲ ب ۱۵۱۳

اما زار در هر سه بیت قید است و چگونگی فعل (گفتن) را

می رساند و لا غیر.

۱۹- سراپرده دیده از رنگ رنگ

بدوی اندرون خیمه های پلنگ

ص ۲۸۹ ب ۶۲۲

به نظر استاد ارجمند «پلنگ» معنی استعاری دارد و

مراد از آن سرداران سپاه و یا پهلوانان لشکر می باشند.

چون در عبارت «خیمه های پلنگ» هرگز معنی «رنگ

پوست پلنگ» صراحت ندارد، زیرا فردوسی می توانست

بگوید: «بدو خیمه هایی چو چرم پلنگ»

اما کدام قمرینه ما رابه معنای استعاری پلنگ

رهنمون می گردد؟! آیا صراحت بنداری در برگرداندن

چرم پلنگ به «جلودالنمور» نشانه نهمیدن معناست

توسط او!

از بیت ۶۲۰ تا ۶۲۸ صریحاً وصف چیزهایی است که فریدون به منوچهر پیشکش می‌کند و پس از آن ذکر پهلوانان و نامداران کشور به میان می‌آید، لذا نمی‌توانیم پلنگ را غیر از جنس خیمه بینگاریم.

شاید اگر مراد فردوسی از پلنگ، گردان و پهلوانان بود، اینگونه می‌سرود:

«بدو خیمه‌های پلنگان جنگ» یا «بدانجا خیام پلنگان جنگ».

۲۰- نیوئیم تا آب رنجش دهیم

چو تازه شود تاج و گنجش دهیم

ص ۲۱۶ ب ۶۶۷

در معنی بیت آورده‌اند: «راهی نرویم و یا کاری نکنیم تا به منوچهر آب رنجیدگی بنوشانیم و همین که بالید و جوان شد به وی تاج و گنج خواهیم داد».

ضبط نسخ دیگر گواهی بر مثبت بودن فعل اول بیت می‌دهد و فقط نسخه فلورانس آن را منفی آورده است. لکن هر دو صورت برای رساندن یک معنی است و آن کوشش سلم و تور برای به در کردن رنج سفر از تن منوچهر است. ضمناً «آب رنج» اضافه تشبیهی به معنای آب رنجیدگی نیست بلکه مراد وسایل آسایشی است که رنج را از بین ببرد.

بدین ترتیب معنی بیت را با هر دو وجه مثبت و منفی فعل می‌آوریم:

پهوتیم: می‌کوشیم تا آبی (وسایل آسایشی) به او دهیم تا رنج راه از بین برود.

نیوئیم: از پا نمی‌نشینیم (کوتاهی نمی‌کنیم) تا آبی (وسایل آسایشی) به او دهیم تا رنج راه از بین برود.

۲۱- نشست از بر تخت پیروزه شاه

چو سرو سهی بر سرش گرد ماه

ص ۲۱۶ ب ۶۷۲

بنظر استاد گرامی در اینجا مراد از گرد ماه تاج است که همچون ماه می‌درخشیده است. لکن مصرع، وصف

هیكل شاه آفریدون است بدون آلات شاهنشاهی، در بیت بعد ادوات از جمله تاج ذکر می‌شود پس مراد از گردماه صورت است نه تاج. این تشبیه را حکیم طوس برای رودابه نیز آورده است:

یکی سرو دید از برش گردماه

نهاده به مه بر ز منبر کلاه

۲۲- هر آن کس که دارد روانش خرد

گناه آن سگالد که پوزش برد

ص ۲۲۲ ب ۷۲۱

در معنی بیت آورده‌اند: «هرکس که خردمند باشد می‌داند: چون کس در خود احساس گناه کند از یزدان پوزش خواهد خواست».

اما پاسخ فریدون به پسران ناخلفش سلم و تور این است: «هر خردمند گناهی را سگالد (اندیشه گناهی را می‌کند) که بعد از انجامش پوزش‌پذیر باشد». یعنی گناه شما - قتل برادرتان - گناهی نیست که با پوزش بتوان از عقابش رهید. و شما «مکافات این بد به هر دو جهان / بیابید و این هم نماند نهان».

۲۳- به زور خداوند خورشید و ماه

که چندان نمانم ورا دستگاه

ص ۳۳۶ ب ۸۴۰

استاد گرامی دستگاه را در این بیت به معنی فرصت گرفته‌اند اما دستگاه در اینجا نیز به معنی جاه و جبروت و تشکیلات است آنگونه که بارها در شاهنامه آمده است. منوچهر می‌گوید: تشکیلاتش را مجال یک چشم برهم زدن نمی‌دهم.

۲۴- چو خورشید بر تیغ گنبد کشید

نه آیین دز بد نه دزبان پدید

ص ۲۵۲ ب ۹۶۸

استاد ارجمند «آئین» را بمعنی فرّ و شکوه گرفته‌اند. که معنایی مناسب و روشن نیست. در لغت‌نامه فارسی یکی از معانی ای که برای آئین آمده، نشان و اثر است با این بیت شاهد از ویس و رامین:

«تنش را گر ز درد آیین نبودی

دهانش را شکر شیرین نمودی»

بگمانم می‌توان آئین را در بیت شاهنامه هم بدین معنی گرفت.

۲۵- بیفگند برگستوان و بتاخت

به گرد سیه چهره اندر نشاخت

ص ۲۵۸ ب ۱۰۱۲

در معنی مصرع اول آورده‌اند: «منوچهر برگستوان را براسب افکند و بتاخت رفت» بنظر ایشان «ظاهراً منوچهر پیش از برنشستن باید، برگستوان را بر روی اسب بیفکند بعد سوار شود. نه بعد از آن. گویی این پیشی و پسی در اجزاء دو بیت به جهت ضرورت شعری بوده نه جز آن، زیرا نمی‌شود کسی نخست سوار اسب شود بعد برگستوان را بر روی اسب بیفکند» به این بیت نیز ارجاع داده‌اند:

«برو برفگندند برگستوان

برو بر نشست آن شه خسروان

مسکو ج ۶ ص ۹۷ ب ۳۷۰

«افکنند(بریند)برگستوان شگردی دراوردگاه»:

پهلوانان و جنگاوران در هنگام سواری و تاخت برای افزون کردن سرعتشان و برتری برهم نبرد خویش برگستوان را می‌افکنند تا اسب با سرعت تمام بتازد. منوچهر نیز همین کار را می‌کند تا «تنگ» در شاه روم رسد. خسرو پرویز نیز در رزم با بهرام چوبینه از این شگرد رزمی سود می‌جوید:

«تنگه کرد خسرو پس پشت خویش

از آن چاربهرام را دید پیش

همی داشت تن را ز دشمن نگاه

بیرید برگستوان سیاه

ازو باز ماندند هر دو سوار

پس پشت او دشمن کینه دار

مسکو ج ۶ ص ۱۲۰

اما در بیت ارجاعی ایشان برگستوان بر روی اسب افکنده می‌شود چه در آنجا گشتاسپ می‌خواهد به میدان رود و گردان در حال حاضر کردن اسبش (بهراد) برای رزم هستند.

در اینجا شایان ذکر است که هدف این بررسی چیزی نبوده جز فهم درست ابیات نامه نامور، آنچه که فاضل ارجمند آقای دکتر جوینی نیز دیربست از برای آن می‌کوشند که براهل فضل پوشیده نیست.

در پایان، فراوان سپاسگزارم از استادان دانشمند و بزرگوار: آقایان دکتر سیدمحمد دبیرسیاقی، دکتر سیدجعفر شهیدی و دکتر برات زنجانی که هر از چندی با گشاده‌رویی و موشکافی به پرسشهای این حقیر درباره شاهنامه پاسخ فرموده‌اند.

منابع:

- ۱- امثال و حکم، علامه دهخدا، امیرکبیر، ج ۲، چ هشتم ۱۳۷۴.
- ۲- بوستان سعدی، مصحح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، چ پنجم ۱۳۷۵.
- ۳- داستانه‌های نامورنامه باستان شاهنامه فردوسی ج ۲ و ۱ به اهتمام دکتر سید محمد دبیرسیاقی، قطره، ۱۳۷۷.
- ۴- شاهنامه فلورانس چاپ عکسی دانشگاه تهران ۱۳۶۹.
- ۵- شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس، گزارش ابیات و واژگان دشوار بقلم دکتر عزیزالله جوینی، دانشگاه تهران ج ۲ و ۱
- ۶- شاهنامه از روی چاپ مسکو به کوشش دکتر سعید حمیدیان ج ۱ و ۲، قطره، ۱۳۷۴.
- ۷- ظفرنامه، حمدالله مستوفی، به انضمام شاهنامه به تصحیح حمدالله مستوفی، زیر نظر نصرالله پورجوادی، نصرت الله رستگار، تهران مرکز نشر دانشگاهی، وین آکادمی علوم اتریش ۱۳۷۷.
- ۸- قابوسنامه، مصحح دکتر غلامحسین یوسفی، علمی و فرهنگی، چ هفتم ۱۳۷۳.
- ۹- لغت نامه دهخدا دانشگاه تهران، چ دوم از دوره جدید ۱۳۷۷.
- ۱۰- لغت نامه فارسی، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، ج ۷، چ شهریور ۱۳۶۵.

# شاهنامه

از دستنویس موزه فلورانس

کتابشایان و واژگان دشوار  
دکتر عزیزالله جوینی